

کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی رویداد مهم و بزرگ جهانی

در میان فرستادگان احزاب برادر است. نه تنها کمونیست ها و هواداران سوسیالیسم در جهان، بلکه مخالفین آنان نیز به کنگره حزبی که نیروی رهبری کننده کشور عظیم سوسیالیستی است به مثابه یک رویداد مهم جهانی می نگرند. از این رو افکار عمومی جهان به مسائل مهمی که در کنگره مطرح است، توجه خاصی مبذول می دارند.

مجموعه اسناد مورد بحث کنگره بیست و هفتم ح.ک.ا.ش. برای مبارزاتی که در راه آزادی و بهروزی خلق ها و ایجاد دنیایی سعادتند پیکار می کنند نقش سلاح بقیه در ص ۵

سه شنبه بیست و پنجم فوریه (ششم اسفند ماه) بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی کار خود را در مسکو آغاز کرد.

نزدیک به پنج هزار نماینده که برگزیدگان کمونیست های سراسر خاک پهناور اتحاد شوروی هستند در کنگره حضور دارند.

فرستادگان تقریباً همه احزاب کمونیستی و کارگری و همچنین جنبش های رهایی بخش ملی میهمان و ناظر کار این کنگره تاریخی هستند.

هیلت نماینده کمی حزب توده ایران به ریاست رفیق علی خاوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز



شماره ۹۱ سال دوم دوره
ششم - پنجشنبه ۸ اسفند ۱۳۶۴
بها ۲۰ ریال

تنزل قیمت نفت و پوی آمدهای آن

این کشورها به تقلیل چشمگیر قیمت نفت و ایجاد نفاق میان کشورهای عضو " اوپک " به قصد از هم پاشیدن آن از درون.

در اوایل سال ۱۹۸۵ ایالات متحده آمریکا روزانه ۱/۱ میلیون بشکه نفت خام از ذخائر استراتژیک خود را به بازار نفت جهانی سرازیر کرد. در عین حال متحدان آمریکا در ناتو، یعنی انگلستان و نروژ تولید نفت در دریای شمال را افزایش دادند. هدف در هر دو مورد وارد آوردن فشار بر " اوپک " بود.

کشورهای رشد یافته صنعتی سرمایه داری که بزرگترین مصرف کنندگان نفت " اوپک " بودند، به تدریج میزان خرید نفت از کشورهای عضو " اوپک " را کاهش دادند. انحصارهای بزرگ نفتی مانند " اکسون "، " رایال داچ شل "، " بریتیش پیترولیوم "، " تکساکو "، " موبیل اویل "، " سوکال " و " کالف اویل " که از خریداران بزرگ نفتی در ص ۵

در اوایل سال ۸۶ میلادی بهای نفت در بازار جهانی نفت با سرعت روبه کاهش گذارد و از ۲۵ دلار در هر بشکه به ۱۷-۱۵ دلار تنزل کرد. روند کاهش قیمت نفت از مدت ها پیش آغاز شده بود. اگر در سال ۱۹۸۱ هر بشکه نفت در بازار جهانی به ۲۵ دلار به فروش می رفت، امروز به ۱۷-۱۵ دلار، یعنی به کمتر از نصف رسیده است. این امر کشورهای صادرکننده نفت - " اوپک " را با مشکلات عدیده ای روبرو ساخته که به تضعیف بیش از پیش آنها منجر خواهد شد.

علل و عوامل زائیده چنین وضعی در بازار جهانی نفت چیست؟ پاسخ به این سؤال را می توان در بررسی سیاست دولت آمریکا و انحصارهای نفت خوار پیکاری کرد.

دولت های امپریالیستی و انحصارهای فراملیتی سالیان دراز بود که علیه کشورهای عضو " اوپک " مبارزه سختی را آغاز کرده بودند. هدف آنها به طور عمده عبارت بود از وادار کردن

جنگ، وسیله ای برای تحقق منافع ارتجاع داخلی و خارجی

باردیگر شعله های آتش جنگ ایران و عراق در پی آغاز حمله " والفجر - ۸ " فرژان تر گردید. در نبردهای سنگینی که در جبهه های پر آتش و دود جنگ جریان دارد، طرفین هر روز هزاران تن بسب و کلوله و موشک بر سر نیروهای یکدیگر فرو می ریزند.

بنابه گزارش خبرگزاری ها، اوج گیری دوباره جنگ امپریالیسم افروخته، موج نوینی از مرگ و ویرانی و خانه خرابی به زبان زحمتکشان در هر دو سوی آتش برانگیخت. افزون بر آن تشنج در منطقه خاورمیانه و نزدیک و خلیج فارس بالا گرفت و ارتجاع و امپریالیسم جهانی خود را برای بهره برداری های تازه به ویژه در زمینه تشدید حضور نظامی آماده کردند. با این وجود، سردمداران مرتجع و جنگ طلب جمهوری اسلامی، بدون توجه به صلح و امنیت و منافع خلق های منطقه و جهان، با تبلیغات پر دامنه پیرامون سیاست ماجراجویانه خود همچنان زمینه ادامه و گسترش جنگ را فراهم می سازند.

پس از تهدید و اخطار به کویت از سوی خامنه ای در مراسم ۲۲ بهمن، رسانه های گروهی جمهوری اسلامی همچنان به تبلیغ پیرامون موضعگیری غیرمسئولانه رئیس جمهور رژیم می پردازند. او جمله روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله ای این " اخطار " را " آخرین فرصت " برای کویت رقم می زند و در سرمقاله دیگر می نویسد:

" اخطار رئیس شریاعالی دفاع و اعزام یک فرستاده ویژه از سوی رئیس جمهور به کویت ... اخطار جدی به شیوخ کویت برای درک این مسئله بود " (ج. ۱۱، ۲۴، ۱۱، ۶۴).

بقیه در ص ۲

همبستگی جهانی با توده ای های دربند

اعراض کمونیست های آلب و مارتینیم از طرف فدراسیون حزب کمونیست فرانسه - استان آلب و مارتینیم - متن زیر به سفارت ج.ا. تسلیم شد:

بعد از کشتن دو تن از رهبران حزب توده ایران به وسیله شکنجه گران رژیم جمهوری اسلامی، کمونیست های استان آلب و مارتینیم اعتراض جدی خود را نسبت به این عمل ردیلا نه اعلام می کنند. ما خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی و حضور وکلای بیسن المللی برای محاکمات در دادگاه های اسلامی هستیم.

بقیه در ص ۸

به دنبال انتشار خبر شهادت رفقا رضا شلتوکی و تقی کی منش در زیر شکنجه موج اعتراض از سوی نیروهای مترقی و همبستگی با توده ای های دربند بالا گرفت؛

اعتراض کمونیست های اتریش

به گزارش روزنامه اتریشی " فولکس اشتیمه "، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش در تلگرامی به سفارت جمهوری اسلامی در وین اعتراض شدید خود را علیه " شیوه های غیر انسانی شکنجه از سوی دستگاه های سرکوبگر ایران " ابراز داشته است. انگیزه این اعتراض شهادت رفیق رضا شلتوکی بود.

در تلگرام یاد شده می خوانیم: " از شما می خواهیم که به این شکنجه های ضد بشری پایان دهید و زندانیان سیاسی را آزاد سازید. "

بیاموزیم، تبلیغ کنیم، و سازمان دهیم
اصول گریز از تور دشمن

در ص ۴

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

جنگ، وسیله‌ای برای ...

در این بین، امپریالیسم آمریکا، برافروخته و برنده اصلی جنگ نیز بیکار ننشسته و نقش تماشاگر را ایفا نمی‌کند. امپریالیسم آمریکا با پاشیدن نفت بر آتش جنگ، از هر جهت خود را برای بهره برداری های گسترده تر از پیش مهیا می‌سازد. ماهیت موضعگیری و عملکرد امپریالیسم آمریکا افشیاگر این واقعیت است. سخنگوی وزارت کشور ایالات متحده، برنارد کالپ، اعلام می‌کند که "گسترش درگیری... تهدید بزرگی برای منافع آمریکا" محسوب می‌شود. از این رو امپریالیسم آمریکا برای آن که "درگیری" دامنگیر "دولت های بی طرف منطقه" نشود، خود را مجاز به دخالت در امور منطقه می‌بیند. دقیقاً در پی سخنان برنارد کالپ است که نیروهای "اقدام سریع" فرمان آماده باش دریافت می‌کنند. در حال حاضر تب بحران و وخامت اوضاع به شدت منطقه افزایش یافته است.

اگر جنگ در عرصه بین المللی جز در خدمت خواست ها و منافع امپریالیسم جهانی نبوده و نیست، در داخل نیز زمینه ساز شکل گیری و گسترش ارتجاعی ترین روندهای سیاسی - اجتماعی محافل حاکمه بوده و هست.

در اوضاع و احوال کنونی، به بهانه پیشبرد جنگی که تا کنون تلفات جانی و خسارات مالی عظیمی برای خلق های ایران و عراق به بار آورده است، ابتدایی ترین آزادی ها و حقوق دمکراتیک توده های مردم و همچنین همه پایبندان به آماج های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب بهمن سرکوب می‌شوند. هر بانک صلح جویانه و آزادیخواهانه و هر اعتراض حق جویانه با مشت و گلوله خاموش می‌گردد. در عین حال در زیر چتر ترور و خفقان حاکم و در پرتو پشتیبانی رژیم از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان هر روز کارگران و زحمتکشان فقیرتر و مشتی زالوهای اجتماعی ثروتمندتر می‌شوند.

مجموعه رویدادهای جاری در مهبان ما بیانگر آن است که هر روز مدافعان دو آتش و سینه چاک سرمایه داران با استفاده از "شرایط جنگی" مواضع اقتصادی و سیاسی خود را استوارتر می‌سازند. تظاهرات گوناگون این روند را در عرصه های مختلف زندگی جامعه و عملکرد حاکمیت می‌توان مشاهده کرد. شیوه و عملکرد مجلس را می‌توان بطور مشخص نمونه آورد. در شرایطی که هر طرح و لایحه ای که سرسوزنی با منافع صاحبان سرمایه ها اصطکاک پیدا می‌کند، توسط شورای نگهبان سلاخی می‌شود و حتی سردمداران جمهوری اسلامی از "خلاف قانونی" می‌نالند، مجلس طرح ها و لوایح ارتجاعی را یکی پس از دیگری از تصویب می‌گذراند. تصویب طرح "آزادی معاملات و ساطت نقلیه" و طرح "الحاق یک ماده و تبصره به قانون روابط موجر و مستاجر" در روز ۱۵ آبان، از جمله آخرین "دستاوردهای" فعالیت مجلس است.

در این بین، شایان توجه آن است که

جنگ، جنگ

تا

پیروزی!



نمایندگان هوادار فعالیت لجام گسیخته بخش خصوصی که زمین را زیر پای خود محکم احساس می‌کنند، در هنگام بحث دیگر با "شجاعت" و دریدگی بی نظیری نظرات خود را مطرح می‌کنند. معماری، نماینده مجلس، در دفاع از آزادی "دلال ها و بنگاه دارها و نمایشگاه دارهای ماشین" بانک برمی‌دارد که "با فطرت (انسان) بازی نکنید. روح تجارت، آزادی و رقابت است. اگر این دورا بردارید، می‌شود کمونیستی. برای مثال، اگر خوراکی را دور از دست بچه های پتان در صندوقی قرار دهید و دو تا قفل بزنید، بچه دزد با رمی آید" (اطلاعات ۱۶ (۱۳۶۴)).

اینک که روندهای ارتجاعی هرچه بیشتر گسترش و تعمیق پیدا می‌کند، رژیم در پشت شعار "جنگ، جنگ تاپیروزی" سنگر گرفته و به تبلیغ آن می‌پردازد تا بر سیاهکاری های خود پرده بکشد.

در شرایطی که بار اصلی جنگ بر دوش کارگران و زحمتکشان سنگینی می‌کند و هر روز فرزندان آنها در آتش جنگ خاکستر می‌شوند، کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران از ادامه آن بیشترین سودها را به جیب می‌زنند. در این زمینه گوشه ای از مطلبی که در روزنامه کیهان ۱۷ بهمن به چاپ رسیده است، جلب توجه می‌کند. کارمندی می‌نویسد:

"من که این سطور را می‌نویسم صبرم هم دست کمی از صبر حضرت ایوب ندارد، ولی این صبر فقط حق مستضعفان است؟ فقط طبقه کارمند است که بایستی بار سنگین جنگ را به دوش بکشد؟ البته از نظر مسئولین کسانی که از برکت آهن، سیمان، مرغ، قطعات یدکی، بلبط هواپیما، زمین، سیکار، روغن، برنج، میوه و تره بار عالی ترین بهره را از انقلاب برده اند نگرانی ندارند، این ها مثل ما فقرا نق نمی‌زنند اگر تخم مرغ شانه ای دو هزار تومان باشد خریدارند، اگر مرغ کیلویی هزار تومان عرضه شود بدون مرغ نمی‌مانند ولی آیا این اختلاف وحشتناک را می‌توان توجیه کرد."

بدینسان به روشنی می‌توان نتیجه گرفت که ادامه جنگ ایران و عراق تنها به سود امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی است. هرچه جنگ بیشتر ادامه یابد، به همان نسبت امپریالیسم و ارتجاع برای تحقق توطئه های کوتاه مدت و دراز مدت خود از آن بیشتر استفاده می‌کنند. برای از حرکت بازداشتن ارابه جنگ باید همه احزاب و سازمان های انقلابی و مترقی، همه نیروهای صلح دوست و آزادیخواه دست در دست یکدیگر بگذارند و بیکار خود را علیه جنگ تشدید کنند.

بیکارگران راه آزادی و ****

بقیه از ص ۶ دستگیری تاکنون در سلول های انفرادی به سر می‌برند. زندانیان دائما منتظر آمدن "شیطان های اتاق تعزیر" هستند تا بپایند و قربانیان شان را انتصاب کنند تا آنها را برپا ببرند و به زانودن بیاورند، با جان ببرند و نیمه جان بازگردانند. فشار روحی به حدی است که هر از گاهی چند نفری بر تعداد "اسیران روانی" افزوده می‌شود. حالت اغما، داشی و فلج از جمله نتایج شکنجه هایی است که اعمال می‌شود. در یکی از شکنجه گاه های کشور بارها و بارها زندانیان سیاسی را صبح ناشتا به شکنجه گاه می‌برند، سه لیوان بزرگ آب به او می‌خورانند، سپس با گیره ای آلت تناسلی آنها را محکم می‌بندند، بطوری که راه دفع ادرار از مثانه بسته می‌شود و این عمل منجر به پاره شدن مثانه می‌گردد.

این دروغگوها بی شرم که دروغ را "معصیت کبیره" می‌نامید آنچنان مثل کبک سردربری کرده اند که گویا کسی متوجه جنایت های آنها نیست و می‌توانند مردم را فریب بدهند. غافل از آن که مردم شیار خیلی خوب از واقعیت های درون زندان ها آگاه هستند و نمی‌توان آنها را فریب داد. باید در افشاء بیش از پیش رژیم و جنایت هایی که در زندان ها بوقوع می‌پیوندد همه توان خود را بکار گرفت.

پایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو بیکار پی گیر،

متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!

رژیم نمی تواند گره گور مسکن را باز کند

گامی دیگر علیه دهقانان محروم ایران

بنابر گزارش روزنامه های مجاز کشور مجلس کلیات لایحه " اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ قانون شهرسازی مصوب ۵۱/۱۲/۲۲ " را به تصویب رساند. " ماده ۱۴۷ قانون مذکور - چگونگی صدور سند مالکیت برای کسانی که سند عادی ساختمان، اراضی کشاورزی و باغ، ام از شهری و غیر شهری دارند را تعیین کرده است. براساس ماده ۱۴۷ ... همچنین تعیین تکلیف اراضی کشاورزی و باغات ام از شهری و غیر شهری و اراضی بایر غیر شهری که اشخاص با سند عادی خریداری کرده اند به واسطه مانع قانونی صدور مالکیت بر آن ملک میسر نیست. هیات یا هیات هایی مرکب از دونفر قاضی حوزه قضایی همان محل به تعیین شورای عالی قضایی و نیز یک نفر از اعضای ثبت به انتخاب سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در اداره ثبت محل تشکیل می شود... این هیات به شرط توافق طرفین به موضوع رسیدگی و پس از تأیید معامله مراتب را جهت صدور سند مالکیت به اداره ثبت محل اعلام می نمایند و اداره ثبت طبق مقررات برای آن ملک سند مالکیت صادر خواهد کرد. " (" اطلاعات " ۱۹ آذرماه ۱۳۶۴)

بقیه در ص ۷

باشد، بهترین راه حل است " (اطلاعات ۱۷ بهمن ۶۴). اساس سیاست رژیم در زمینه مسکن بر همین سخن نخست وزیر استوار شد و دست اندرکاران ج.ا. از آن پس هر روز گامهای تازه تری علیه محرومان و برله صاحبان ساختمانها و خانه های اجاره ای برداشتند. وزیر مسکن، سال گذشته با بی شرمی گفت: " به علت یک سری شعارهای غلط به این دیدگاه کمک کردیم که هر کسی باید صاحب یک خانه بشود " (اطلاعات ۲۰ دی ۶۴) و نگاه راه حل رسمی و نهایی رژیم در زمینه حل معضل مسکن زحمتکشان را چنین اعلام کرد: " استیجار، یک مکانسم بسیار معمول برای برخورد با طبقه محروم جامعه است... در شهرهای بزرگ باید مکانسم استیجار را راه بیندازیم " (اطلاعات ۲۰ دی ۶۴).

در پی این اظهارات، دست اندرکاران رژیم آشکارا گفتند که امکانات فنی و عالی دولتی در اختیار بساز و بفروشها قرار خواهد گرفت. در این رابطه اعلام شد که میزان وام دولتی به متقاضیان، با سطح درآمد آنها نسبت مستقیم دارد. معنی این سخن آن بود که صاحبان ثروت های بزرگ از اعتبارات دولتی بیشتری برخوردار خواهند شد. کازرونی، وزیر مسکن یک گام هم جلوتر رفت و اشکارا گفت چون صاحبان درآمدهای کم قادر به بازپرداخت اصل و فرع وام دریافتی نیستند، قسمت عمده وام دولتی و " زمین را در اختیار بخش خصوصی قرار می دهیم " (همان منبع). در ادامه این روند ارتجاعی، مجلس شورای اسلامی در ۲۵ تیر ۶۴ قانون مسکن مصوب سال ۶۰ مجلس دور اول را لغو کرد تا به گفته جهانگیری، نماینده مجلس " مسئله مسکن را برای کسانی که پولدار هستند حل کنند. " وی در بخش دیگر سخنان خود افزود: " با لغو این قانون قطعاً کارمندان و طبقه مستضعف دیگر صاحب خانه نخواهند شد " (اطلاعات ۱۶ تیر ۶۴).

اری، سران ج.ا. راهی را در پیش گرفتند که به انباشته شدن حاصل رنج محرومان جامعه در دست عده معدودی غارتگر از یک سو و رنج و حرمان توده ها از آن جمله بی مسکنی آنها از سوی دیگر منجر شده و خواهد شد. صاحبان مستغلات، خانه ها، آپارتمانها و ساختمانهای اجاره ای، در پرتو حمایت زعمای ج.ا. ان چنان گستاخ شده اند که در قوه قضائیه ج.ا. حتی حکم تخلیه مدارس، ساختمانهای مسکونی چندک زدگان و خوابگاههای دانشجویی را نیز می گیرند و به اجرا می گذارند. ژراندوژان و ژورمندان در تمام عرصه ها به انقلاب و دستاوردهای ان بورش آورده و می آورند. محرومیت زحمتکشان و یکه تازی صاحبان زر و ثروت، دارای پیوند لاینک بوده و بی آمد ناگزیر سیاست ضد خلقی رژیم ج.ا.

محرومیت و ستم اجتماعی، ارمغان رژیم ج.ا. برای زحمتکشان میهن ما است که در تمام عرصه های زندگی از آن جمله در عرصه مسکن به چشم می خورد. برای آنکه بطور ملموس با فشار اجتماعی ناشی از معضل مسکن که بردوش توده های محروم ایران سنگینی می کند آشنا شویم، به چند واقعیت مستند که در روزنامه های مجاز منعکس شده اند اشاره می کنیم.

روزنامه اطلاعات می نویسد: " در شرایط فعلی، به علت بالا بودن اجاره بها در تهران با تعداد خانه های با جمعیت زیاد، در هر اطاق یک خانواده ۸-۷ نفری رواج پیدا کرده است "

رفتگری می گوید: " من روزی ۷۵ تومان حقوق می گیرم و مامی ۱۷۰۰ تومان کرایه خانه می دم، آن هم با ۴ سر عائله، حالا خودتان قضاوت کنید این حقوق چگونه من را تأمین می کند؟ این در حالی است که میزان قیمت های بالا رفته است "

" فشار طاغوتیها بر جامعه و مردم مستضعف در هفته های اخیر به جانی رسیده بود که چندی پیش پیرمرد ۶۵ ساله ای ... در نتیجه آزار و اذیت صاحب ملک، خود را از پنجره آپارتمانش به پائین پرت کرد و فوت شد "

نمونه هایی که ذکر شد منحصر به محدودی زحمتکش در آیین یا آن منطقه از ایران نیستند بلکه یک پدیده فراگیر در مقیاس کشوری است. طبق امار رسمی ۲ میلیون خانواده ایرانی با احتساب عائله آنها حدود ۱۵ میلیون نفر - از حق طبیعی داشتن خانه مسکونی محروم هستند.

روزگاری سران ج.ا. به توده ها وعده دادند که " مسکن باید مانند نان و پسادگی در اختیار نیازمندان قرار گیرد " (موسوی اردبیلی)، خمینی در سال ۵۹ گفت: " این حداقل حق هر فرد است که مسکن داشته باشد... محرومان باید خانه داشته باشند هیچکس در گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد " (جمهوری اسلامی ۲۸ بهمن ۵۹).

اما آنگاه که پای عمل به میان آمد، وعده های فوق به اقتضای منافع صاحبان ثروت های بزرگ از آن جمله بساز و بفروشها و صاحبان مجتمع های بزرگ ساختمانی و مستغلات به پوته هراموشی سپرده شدند. نخست وزیر در سال ۶۱ واگذاری امر خانه سازی به بخش خصوصی را صریحاً اعلام کرد. او گفت: " ما معتقدیم حل مشکل مسکن به این صورت که دولت مسکن بسازد نیست، بلکه با اجرای سیاستهای صحیح که بتواند در این راستا سرمایه های مردم (بخوان کلان سرمایه داران) را بکار گرفته و خود مردم خانه سازی کنند و دولت هدایت و نظارت داشته

درد بر زندانیان سیاسی و رزمندگان راه آزادی زحمتکشان ایران!

اصول گریز از تور دشمن

گریم یا تغییر چهره و تیپ یکی از شیوه های مهم جعل هویت است. تغییر چهره و تیپ دو گونه است:

الف- تغییر چهره و تیپ موقت؛

ب- تغییر چهره و تیپ دائم.

به منظور تغییر قیافه موقت از جمله می توان از روش هایی همانند گذاردن یا اصلاح ریش و سپیل، بلند کردن و تغییر حالت موی سر یا تراشیدن آن، گذاردن یا برداشتن عینک و کلاه، باند پیچی یکی از اعضاء بدن و تظاهر به معیوب و زخمی بودن آن، استفاده از بارانی یا کاپشن دورویه، پوشیدن کفش پاشنه بلند (برای افراد کوتاه قد)، استفاده از عصا، تغییر دادن طرز راه رفتن، استفاده از لباس های رسمی، گذاردن بینی مصنوعی و... بهره جویی کرد.

بمنظور تغییر قیافه دائم (که به تدارک بیشتری نیاز دارد) می توان از روش هایی همانند، تغییر شکل کلی آرایش موی سر با استفاده از کلاه گیس یا رنگ مو، گذاردن عدسی رنگی برای تغییر رنگ چشم و زدن یا برداشتن عینک استفاده کرد. همچنین برای ایجاد تغییراتی روی پوست، می توان از محلول کلرین استفاده کرد. کلرین، محلولی صیغی است که بسرعت خشک می شود و به صورت لایه بسیار نازک روی پوست می چسبد و در صورت لزوم به آسانی پاک می شود. در کار گریم با استفاده از محلول غلیظ کلرین یا صمغ عربی مثلا می توان روی پوست صورت جای زخم یا سالد بوجود آورد.

نکته قابل توجه در تغییر قیافه، طبیعی جلوه کردن نتیجه کار است که به میزان دقت، ظرافت و حوصله و شکیبایی رفقای مربوطه بستگی دارد.

آرایش قوای دشمن

در شرایط فرمانروایی حکومت ترور و خفقان پلیسی باید امکانات و پشتوانه های مادی و معنوی دشمن را شناخت. باید پایگاه ها و آرایش نیروهای اطلاعاتی و سرکوبگر دشمن و نیز توانمندی های نیروهای انقلابی و عوامل یاری رساندن به آنها را نیک دانست و در عملکرد روزمره و محاسبات جاری خود از نظر دور نداشت.

در عین حال، روی خود ویژگی فعالیت انقلابی در شرایط کنونی باید حساب خاصی باز کرد. محتوای این خود ویژگی عبارت است از: در نظر گرفتن واقعیت تنوع و گستردگی طیف سازمان ها و گروه های مبارز از یک سو و ارتقاء نسبی آگاهی سیاسی توده های مردم نسبت به دوران پیش از انقلاب از سوی دیگر به عنوان پشتوانه معنوی هسته های مخفی و عامل موثر بروز مساعد ساختن زمینه فعالیت مبارزان مخفی.

اینک بجاست نگاهی گذرا به گستره مراکز اطلاعاتی و آرایش نیروهای سرکوبگر و به بقیه در ص ۷

همسرش با خبر هستند و دیگران بی خبرند، کسی بومی نبرد. در این جا، مبارز پنهانکار همانند هنرپیشه باید در نقش خود فرو رود و با شیوه زندگی مخفی و ظاهری که برای خود می پردازد، انس گیرد.

هرگونه سهل انگاری در کاربست اصل ظاهر سازی یا برخورد ذهنی و غیر واقعی با محیط پیرامون، استوار ساختن زندگی مخفی بر پایه های سست و لرزان است و دیری نخواهد پایید که به قیمت زهر ضربه رفتن مبارز انقلابی و یا حداقل بخش وسیعی از امکانات او (اعم از خانه امن، شغل، وسيله نقلیه، پایگاه توده ای و...) تمام میشود. در بسیاری موارد که ظاهر سازی عنصر انقلابی طبیعی نباشد، این احتمال قوی وجود دارد که دشمن برای شناختن او به مصداق ضرب المثل "چوب را که برداری..." رفتار کند. از این رو تنها شرط موفقیت در کاربست اصل ظاهر سازی، خویشتن داری همراه با خونسردی و در صورت لزوم تحرک سریع بمنظور ایجاد تغییرات ضرور است.

جعل هویت

(شناسنامه ای - ظاهری)

جعل هویت، تلاشی است در راستای محدود کردن یا تغییر دادن و بی اثر ساختن اطلاعات دشمن از هویت انقلابی پنهانکار. جعل هویت تا حدود زیادی امکان ردگیری عنصر انقلابی شناخته شده را از دشمن سلب می کند. افزون بر آن، اگر اصل جعل هویت با دیگر اصول کار در شرایط مخفی با خلایق در آمیخته شود، فمرات خوبی می تواند به بار آورد. مثلا در اوضاع و احوالی که انقلابیون پنهانکار در معرض خطر بپگرد و دستگیری قرار می گیرند، جعل هویت در بهترین حالت می تواند زمینه رسیدن یک رشته اطلاعات نادرست درباره این یا آن انقلابی دستگیر شده دارای هویت جعلی را، به دشمن را فراهم سازد.

در این بین، نکته حائز اهمیت، تشخیص درست موقعیت و میزان حساسیت دشمن نسبت به فرد مبارز و گزینش به موقع و مناسب اشکال تغییر هویت است. هرگونه برخورد ذهنی و شتابزده در این زمینه نه تنها منجر به محدود شدن دامنه عمل امکان های گوناگون هسته حزبی میشود، بلکه خود می تواند سرچشمه خطر و ضربه پذیری آن گردد. به علاوه این که، مشکلات فنی کار جعل (از نظر تدارکاتی و پیشرفت تکنیک ها) و میزان حساسیتی که دشمن نسبت به آن نشان داده و می دهد نباید دست کم گرفته شود.

تا سرحد امکان، خودداری کردن از فراهم ساختن زمینه اراه اوراق هویت به مامورین (اطلاعاتی و انتظاماتی و سایر مراکز و مراکز راهبرگه های نهادهای سرکوبگر) و به اصطلاح دورزدن آنها روشی است که می تواند طی یک مرحله گذار مورد استفاده قرار گیرد.

بیاموزیم افشاکنیم سازمان دهیم

یکی از عرصه های پراهمیت مبارزه مخفی در شرایط ترور و اختناق شناخت امکان های گوناگون گریز از تور دشمن است. در این زمینه رعایت چهار اصل زیرین ضروری است:

الف- جاسازی؛

ب- ظاهر سازی؛

ج- جعل هویت؛

د- توجه به آرایش نیروهای دشمن.

در این قسمت، به جز اصل اول که پیش از این درباره آن سخن گفته ایم، به توضیح دیگر اصول اساسی گریز از تور دشمن می پردازیم.

ظاهر سازی

کاربست درست اصل ظاهر سازی در واقع همانند واکنش عمل می کند. اصل ظاهر سازی، بعنوان یک چاره اندیشی پیشگیرانه، در کار مخفی راه یک رشته خطرهای احتمالی و تصادف های پیش بینی نشده را کور می کند. عدم توجه و رعایت پیشگیر و خستگی ناپذیر اصل ظاهر سازی از سوی مبارز پنهانکار باعث می شود که او در رویارویی با هر مسئله و رویدادی در محیط و زندگی نتواند با خونسردی برخورد و عمل کند و در برابر هر کشش، واکنشی شتابزده و ناسنجیده از خود نشان دهد. طبیعی است که این نحوه برخورد، سرانجام نتیجه ای جز برانگیختن شک و سوءظن اطرافیان و همچنین عناصر دشمن به بار نمی آورد. ناپختگی و خامی در رفتار به قول معروف می تواند "آدم را زیر علامت سوال ببرد" و "انکشت نما" کند. توانایی سازگاری با محیط یکی از خود ویژگی های پیکارگر انقلابی آزموده و پرورش استعداد سازگاری با محیط یکی از شرط های اصلی و تضمین کننده ادامه کاری است.

ظاهر سازی دارای مشخصاتی است که بایستی بطور هماهنگ و همه جانبه به اجرا درآید تا از بروز حوادث احتمالی جلوگیری کند. در زمینه ظاهر سازی، از جمله موارد زیر باید در مرکز توجه مبارز پنهانکار قرار گیرد:

- چگونگی رفتار در محیط کار و زندگی و تناسب آن با ویژگی های سنتی و فرهنگی محیط زیست و آداب معاشرت با افراد محیط به گونه ای که شک برانگیز نباشد؛

- پوشش ظاهری متناسب با شغل واقعی یا توجیهی فرد پنهانکار؛

- ثابت بودن و همخوانی وسيله نقلیه با سطح زندگی و شغل فرد پنهانکار.

توفیق در کاربست یکپایه موارد بالا تنها نصیب آن گروه از رفقای می شود که تا سرحد امکان بتوانند رفتار خود را با شرایط زندگی مخفی و کار غیر علنی انطباق دهند و خویشتن داری و اتکاء به نفس خویش را از دست ندهند. بدین معنا که مبارز پنهانکار همانند روال های زندگی قبلی خود یا زندگی فعلی دیگران، بسر برد و او غیر عادی بودن وضع او که تنها خودش با

تنزل قیمت نفت...

نفت " اوپک بودند، از انعقاد قرارداد برای خرید نفت خام از کشورها ی عضو " اوپک " خودداری کردند. بدین سان سهم " اوپک " در صادرات نفت به بازار جهانی از ۵۳/۴ درصد در سال ۱۹۷۶ به ۳۳/۷ درصد در سال ۱۹۸۲ و به ۲۹ درصد در سال ۱۹۸۵ کاهش یافت. در ژانویه سال ۱۹۸۶ ریکان در سخنرانی رادیویی خطاب به مردم امریکا گفت که در نتیجه الغای کنترل دولتی بهای نفت در امریکا، " قیمت نفت کاهش یافت و ما موفق شدیم " اوپک " را به ژانودرآوریم ".

کشورهای عضو " اوپک " در مقابله با این سیاست امپریالیسم امریکا و متحدانش کوشش فراوانی کردند تا با کاهش تولید از تنزل بهای نفت جلوگیری کنند. متأسفانه این سیاست موفقیت آمیز نبود. به علت خصلت تک کالایی اقتصاد، ویژه کلیه کشورهای صادرکننده نفت - " اوپک " که درآمد نفت یگانه منبع درآمد ارز خارجی آنها را تشکیل می دهد هر یک به طریقی از تعهداتی که به عهده گرفته بودند شانه خالی می کردند.

مثلاً، رژیم ج.ا. که این همه از ضرورت حفظ وحدت " اوپک " سخن می گوید، برای تامین هزینه عظیم جنگ، سال ها نفت خام را به قیمتی کمتر از بهای اعلان شده توسط اوپک در بازار جهانی می فروخت. در مواردی این تخفیف به ۲ یا ۲ دلار و بیشتر در هر بشکه می رسید که نمی توانست در شکستن قیمت نفت در بازار جهانی بی تاثیر باشد.

برخی دیگر از کشورها مانند عربستان سعودی، نیجریه و غیره میزان تولید را بالا بردند. کشورهایی چون مکزیک که عضو سازمان " اوپک " نیستند نیز این طریق را در پیش گرفتند.

مجموعه این اقدامات که منجر به کاهش سریع بهای نفت خام و مالا، پائین آمدن درآمد کشورهای صادرکننده نفت گردید، این کشورها را با بحران روبرو ساخت. کشورهایی مانند الجزایر، اندونزی، مکزیک، نیجریه، ونزوئلا مجبور به اخذ وام بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار از خارج شدند. کشورهای کرانه خلیج فارس و نیز اکوادور و

بدیهی است که ضد کمونیست های حرفه ای می کوشند تا از اهمیت جهانی کنگره بیست و هفتم بکاهند. هدف آنها تحریف واقعیت های جامعه کشورهای سوسیالیستی و نفی دستاوردهای عظیم سوسیالیسم است. اما این تبلیغات هرچه بیشتر اثربخشی خود را از دست می دهد.

ما تردیدی نداریم که کمونیست ها و مردم اتحاد شوروی به برنامه های جامع مصوب کنگره بیست و هفتم جامعه عمل خواهند پوشاند و با گام های بلندتر و استوارتر از پیش در راه تحقق اهداف والای سوسیالیسم به پیش خواهند تاخت.

کنگره بیست و هفتم...

نیرومندی را دارد که قادر است حلات ارتجاع امپریالیستی را دفع کند.

به موازات مسجل تر و آشکارتر شدن محکومیت تاریخی امپریالیسم، اندیشه پردازان بورژوازی می کوشند به خلق ها چنین تلقین کنند که مبارزه آنها در راه آزادی بی فرجام است.

علت توجه نیروهای مترقی سرتاسر جهان به مسائل حیاتی مطروحه در کنگره ۲۷ آن است که آنچه تحت بررسی کمونیست های اتحاد شوروی قرار دارد، الهام بخش خلق ها در مبارزه بخاطر آزادی و رهایی ملی است.

نیروهای ضد امپریالیستی در سراسر جهان به حقانیت و اصالت اندیشه های لنینی که در اسناد و مدارک مورد بحث کنگره منعکس شده است عمیقاً اعتقاد دارند.

پرواضح است که دشمنان کمونیسم می کوشند تا توجه خلق ها را از اسناد برنامه ای حزب کمونیست اتحاد شوروی که راه ما برای دستیابی به صلح و زندگی در دنیایی فارغ از بهره کشی و استثمار فرد از فرد هموار می سازد، منحرف کنند.

اما این نیروها قادر نیستند درباره اهمیت تاریخی کنگره مهر سکوت بر لب زنند. به هیچ وجه تصادفی نیست که پس از انتشار مدارک برنامه ای حزب کمونیست اتحاد شوروی، بسیاری از رسانه های گروهی بورژوازی آنها را "واقع بینانه" خواندند.

حیاتی ترین مساله برای بشریت عبارتست از رفع خطر جنگ هسته ای. نجات بشریت از این خطر رسالت تاریخی سوسیالیسم است. اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی با درپیش گرفتن سیاست صلح جوانه - نه در حرف بلکه در عمل - موفق شده اند در طی چهل سال اخیر، جهان را از درگیری آتش جنگ فراقهر حفظ کنند.

مبلیغن امپریالیسم قادر نیستند این واقعیت را از افکار عمومی جهان پنهان دارند. حتی روزنامه ژاپنی " آسامی " می نویسد: " وسعت برنامه های اقتصادی اتحاد شوروی مؤید کوشش های صلح جوانه کشور بزرگ سوسیالیستی است. تنش زدائی برای مسکوبه منظور تحقق بخشیدن به اندیشه های دوران سازلازم است ".

روزنامه " لس آنجلس تایمز " طرح راکسیون جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی را یکی از اسناد مهم ایدئولوژیکی ربع قرن اخیر نامید.

جامعه کشورهای سوسیالیستی و در راس آن اتحاد جماهیر شوروی در دوران حیات خود ثابت کرده که قادر به انجام تحولات عظیم بوده و هست. این امر چنان واضح و نیرومند است که حتی کمونیسم ستیزان و شوروی ستیزان را نیز مجبور می سازد تا درباره سوسیالیسم و دورنمای آن با احترام سخن بگویند.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان!

گابن با مشکلات مالی روبرو هستند. در مقابل دولت های امپریالیستی باردیگر به حساب کشورهای صادرکننده نفت اقتصاد خود را سرو سامان می دهند. کافی است خاطر نشان سازیم که در سال جاری فقط ایالات متحده آمریکا ۲۷ میلیارد دلار کمتر از سال ۱۹۸۲ صرف واردات نفت خواهد کرد.

طبق برآورد بولتن آماری اوپک کل درآمد کشورهای عضو از ۲۶۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱۵۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ کاهش یافته است. این رقم در سال ۱۹۸۵ به مراتب کمتر خواهد شد. و در صورت ادامه کاهش بهای نفت به احتمال قوی در سال ۱۹۸۶ به نصف درآمد کل سال ۸۲ خواهد رسید.

برای حل معضل بهای نفت اتفاق نظر میان اعضاء اوپک وجود ندارد. در اوایل فوریه سال میلادی جاری کمیسیون ویژه ای مرکب از وزراء نفت ونزوئلا، اندونزی، عراق، کویت و امارات متحده عربی برای حل این معضل در وین شروع به کار کرد. در این جلسه دو نظر وجود داشت.

۱- کاهش سهمیه تولید کشورهای عضو اوپک برای جلوگیری از تنزل بهای نفت.

۲- مذاکره با انگلستان و نروژ برای تعیین سهمیه تولید، در صورت عدم موفقیت در این زمینه، باید آنها را از طریق دیگری مجبور به این کار کرد. این طریق عبارت خواهد بود از تقلیل قیمت نفت تا ۱۲ دلار در بشکه و حتی کمتر از آن.

این امر تاثیر عمیقی در اقتصاد انگلستان و نروژ خواهد گذارد، زیرا هزینه تولید هر بشکه نفت در دریای شمال بین ۱۰ تا ۲۰ دلار است. به همین سبب ادامه کاهش قیمت نفت موجب تعطیل چاه های نفت در دریای شمال خواهد شد و بدین سان ضربه شدیدی به انگلستان و نروژ وارد خواهد آمد.

مارگارت تاچر در یک مصاحبه تلویزیونی در رد این نظر استدلال کرد که صادرات نفت فقط ۸ درصد کل صادرات انگلستان را تشکیل می دهد و نمی تواند تاثیر چندانی در اقتصاد آن کشور داشته باشد. ولی نخست وزیر انگلستان این امر را که نفت شمال بخش عمده مصرف داخلی را تامین می کند و در صورت تعطیل چاه های نفت، انگلستان مجبور خواهد شد نفت مصرفی را کلاً از خارج تامین کند، مسکوت گذارد.

آنچه مربوط به کشور ما است، سران رژیم با ادامه جنگ، بخش قابل توجهی از درآمد نفت را صرف هزینه های نظامی می کنند. این سیاست ضد خلقی تاکنون ضربات مهلکی بر اقتصاد ملی ما وارد آورده است. تردیدی نیست که با تنزل سریع بهای نفت، بودجه کشور با کسری سرسام آوری روبرو خواهد شد. برای تامین کسری بودجه، دولت به استقراض از نظام بانکی و به عبارت دیگر چاپ اسکناس بی پشتوانه روی خواهد آورد. و اما تامین ارزی هزینه های کمرشکن نظامی نیاز به وام خارجی خواهد داشت. مردوی این به اصطلاح تدابیر، در آخرین تحلیل به تشدید تورم و تنزل بیش از حد سطح زندگی زحمتکشان و نیز تعمیق وابستگی به جهان غرب منجر خواهد شد.

بیکارگران راه آزادی و استقلال تروریست نیستند

"ازدواج موقت" از معان شوم رژیم برای جوانان

در مهر و آبان سال جاری، رفسنجانی مجدداً بحث های کثدار، تکراری و مردم فریبانه ای را پیرامون امر " ازدواج و تشکیل خانواده " برآه انداخت. رفسنجانی یک بار دیگر نیز در نماز جمعه ۲۵ خرداد ماه سال ۶۲ با تحریف تحلیل های علمی تاریخی، لاطاللات و دروغ هایی را در رابطه با " زن و خانواده " سرهم بندی کرده بود. اگر او در خرداد ماه سال پیش، با تهمت و بهتان زدن به پیروان سوسیالیسم علمی کوشید تا اذهان ساده را بفریبید، اما امروز که دیدگاه قرون وسطایی خود و یارانش را تشریح می کند و برنامه رژیم ولایت فقیه را در رابطه با ازدواج و خانواده ارائه می دهد، نقاب از چهره مافوق ارتجاعی رژیم ضد خلقی برمی گیرد. مروری بر سخنان رفسنجانی، نهایت یوسیدگی افکار رژیم را نشان می دهد.

رفسنجانی می گوید: " ... ازدواج پسران و دختران ما امروز به صورت یک مشکل درآمده است... " " ... باید آداب و رسوم غلط برداشته شود، مردم طبق تعامیل، وقتی که احساس نیاز کردند به همسر، بتوانند تصمیم بگیرند... "

وی در بخش دیگری از صحبت هایش با اشاره به هزاران زن بی سرپرست و بیوه می گوید:

" ... مردها نوعی آزادی دارند، اما زن ها دست و پایشان در عادات و آداب ناصحیح و غیر اسلامی گیر کرده... این باید حل شود، اگر این مسئله حل نشود، انقلاب ناقص است... "

رفسنجانی " عادات و آداب ناصحیح " را در جای دیگر چنین برمی شمرد:

" ... توقع نکنید در شرایط جنگی الان شما بگوئید دولت برای همه ما خانه بدهد، شغل بدهد، موانع کلی را بردارد... چه عیبی دارد که اگر دختر و پسر می خواهند ازدواج کنند مدتی در خانه پدر و مادر باشند... این عیبی ندارد پسری که ازدواج کرده باشد، نان خور پدرش باشد. این چیزهایی است که زندگی اجتماعی را مشکل کرده است. این رسوم را بردارید... "

آنچه او این بحث ها می توان دریافت، آن است که رفسنجانی تمام تلاش خور را به کار بسته است تا با مطرح ساختن " آداب و رسوم و سنت های دست و پاگیر " حداقل نیازهای زیستی و معیشتی جوانان را برای تشکیل خانواده و تداوم زندگی را، تجمل قلمداد کند و دولت ج.ا. را به بهانه درگیر بودن در جنگ از بار مسئولیت این حداقل مطالبات برحق و مسلم جوانان خلاص سازد.

در حقیقت رفسنجانی مشکلات موجود بر سر راه ازدواج جوانان را نتیجه آداب و رسوم و زیاده خواهی ها معرفی می کند در حالی که معضلات امروزین زندگی جوانان دقیقاً زائیده شرایط ناهنجار عینی حاکم بر جامعه است که طبیعتاً از شالوده اقتصادی نظام ضد مردمی حاکمیت کنونی نشأت می گیرند. بقیه در ص ۷

ترتیب دادن ضیافت ها و مهمانی های انجمنی می کوشد تا با تبلیغات دروغ و بی اساس آب رفته را به جوی باؤگرداند و کسب آبرویی بکند. در شرایطی که جنایت های بیشمار رژیم در سرتاسر جهان خشم بشر دوستان را برنگیخته است، اینک خمیغی با آماده ساختن زندان های نمونه از خارجی مامی طلبد که " بروید وضع زندان های اینجا را ببینید (" اطلاعات " ۲۳ بهمن ۶۲) و بجنوردی - یکی از اعضای شورای عالی قضائی ج.ا. در پاسخ به این سؤال که " روش های گرفتن اقرار از مجرمین به چه صورت است و اگر اقرار نکند موضع گیری شما چگونه است؟ " می گوید:

" در قانون اساسی جمهوری اسلامی طبق اصل ۲۸ هرگونه شکنجه برای کسب اطلاع یا سوگند اجباری مجاز نیست. بنابراین درباره مجرمین، حتی آنها که مسلحانه علیه جمهوری اسلامی قیام کرده اند هیچگونه شکنجه ای مجاز نیست و اگر خلاف این باشد براساس شرع اسلام سازمان باوقری کل کشور که نظارت بر حسن اجرای کل قوانین را دارد می تواند دخالت کند و در صورت مشاهده موردی شورای عالی قضائی با قاطعیت برخورد خواهد کرد " (" اطلاعات " ۲۰ بهمن ۶۲).

آیا واقعیت امر در عمل همین است که بجنوردی می گوید؟ در این صورت چرا و چگونه است که جنایتکارانی چون لاجوردی و امثال او به جای آن که مجازات شوند همچنان از کارگزاران مهم رژیم هستند؟ اما از آنجا که دروغگو کم حافظه می شود. بجنوردی خود مشت رژیم را وامی کند: " آری ما ممکن است یک مجرم در یکی از دادسراها تعزیر شود. به طور مثال جنایاتی کرده و قاضی تعیین دارد که دروغ می گوید و حاضر به اقرار نیست و طبق اصول شرعی هرکس مرتکب معصیت کیبیره شود مستحق تعزیر است و قاضی می تواند انشاء حکم کرده و تعزیر کند که ۷۴ ضربه شلاق در مورد آن مجرم اعمال شود. ما حتی یک نمونه که بدون حکم قاضی تعزیر شده باشد در دادسراهای عمومی و انقلاب نداریم. " آیا این اعتراف بجنوردی تا همین حد مرید وجود شکنجه در جمهوری اسلامی نیست؟ اولاً مگر نه آن که " تعزیر " در واقع یک کلاه شرعی برای موجه نشان دادن جنایت هایی است که در زندان های ج.ا. صورت می گیرد؟ ثانیاً، آیا ده ها هزار نفر از نیروهای مترقی دستگیر شده چه جنایاتی مرتکب شده اند - و بر اساس کدام دلیل و سند و مدرک - که تاکنون بارها و بارها محکوم به تعزیر شده اند؟ ثالثاً آیا این " معصیت کیبیره " که بجنوردی از آن نام می برد به معنی دفاع از آماج های انقلاب و حقوق مردم ستم دیده نیست؟

مسئولان قضائی کشور در شرایطی بر تکرار پیاره های و دروغ های آنجمنی می پردازند که تاکنون علاوه بر اعدام شدگان، صدها نفر زیر شکنجه های وحشیانه جان سپرده اند، زندانیان سیاسی دائماً مورد توهین و ضرب و شتم قرار می گیرند، بسیاری از دستگیرشدگان از ابتدای بقیه در ص ۲

موسوی خوئینی ها در گفتار با گروهی از خارجی های شرکت کننده در مراسم " دهه فجر " ادعا کرد که در ایران زندانی سیاسی وجود ندارد. وی می گفت: " در حکومت جمهوری اسلامی کسانی که به نام زندانی سیاسی معرفی می شوند در حقیقت عده ای تروریست هستند که تنها زبانی را که برای صحبت با دولت جمهوری اسلامی انتخاب کرده اند زبان ترور و انفجار است و طبیعی است که جای این افراد در زندان باشد. " (اطلاعات ۲۰ بهمن ۶۲)

آیا این ادعای دادستان کل ج.ا. یادآور سخنان شاه معدوم نیست؟ وی نیز در حالی که هزاران نفر از آزادیخواهان و نیروهای انقلابی را به بند کشیده بود ادعا می کرد که آنها " تروریست " هستند.

امروزه ده ها هزار نفر زندانی سیاسی در سپاه چال های گوناگون رژیم به سر می برند که " بزم " بزرگ آنها دفاع از آزادی و حقوق زحمتکشان است. این نیروها به مثابه پیشگامان انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ در حال بیکار با رژیم هستند که به آماج های انقلاب پشت کرده و با خیانت به مردم راه سازش با غارتگران اجتماعی و احیاء نظام سرمایه داری وابسته را در پیش گرفته است. آیا می توان آنها را تروریست نامید؟

حزب ما که در دوره اوج گیری انقلاب شعار ضرورت جنبش مسلحانه توده ای را برای سرنگون ساختن رژیم شاه - ساواک مطرح ساخت، پس از پیروزی انقلاب بر ضرورت مبارزه سیاسی در راه تشکل و سازماندهی زحمتکشان و دفاع از آماج های ضد امپریالیستی و دمکراتیک انقلاب تاکید کرد و توانست با اتکاء به همین شیوه مبارزه شعارهای خود را به میان مردم ببرد. جذابیت شعارها و برنامه حزب که از خواسته های واقعی زحمتکشان شرمی گرفته به قدری بود که موجب وحشت بیش از حد محافظ ارتجاعی شد. آنها که از رشد همه جانبه حزب ما در هراس بودند پیوسته می کوشیدند تا از جمله با " کشف " انبارهای اسلحه واهی و نسبت دادن اتهام های

پس اساس به حزب ما و جنبش قهر شایعات " سیا " ساخته و ساواک پرداخته، زمینه قطع فعالیت و " انحلال " حزب توده ایران را فراهم آورند. در چارچوب چنین دسیسه هایی بود که یورش به حزب ما آغاز شد و علاوه بر بخش مهمی از کادر رهبری، هزاران نفر از اعضا و هواداران حزب که به مبارزه سیاسی سرگرم بودند با برچسب های سیا ساخته روانه چال ها و شکنجه گاه ها شدند. علاوه بر توده ای ها هزاران نفر از اعضا و هواداران دیگر سازمان های مترقی و انقلابی نیز در زندان های رژیم زیر شکنجه به سر می برند. حال چگونه است که دادستان کل ج.ا. زندانیان سیاسی کشور را " تروریست " می نامد؟ در هفتمین سالگرد انقلاب، رژیم با اختصاص دادن بودجه های کلان و تحمل مخارج سنگین و

اصول گریز...

اصطلاح برقرارکنندگان "نظم و آرامش" بیافکنیم:

۱- ماموران گشت سپاه، کمیته، دایره مبارزه با منکرات و مواد مخدر، مبارزه با گرانفروشی، پلیس شهربانی و ژاندارمری و حتی راهنمایی و رانندگی (علیرغم اختلاف های درونی آنها) بطور آشکار با لباس های متحدالشکل و همراه با وسائط نقلیه نام و نشان دار که با عکس های شخصیت های مذهبی بویژه خمینی و منتظری تزئین شده است، در سطح شهر و مناطق خارج از محدوده جولان می دهند.

۲- ماموران "ساواجا"، کمیته و سپاه... که به طور مخفی و تقریباً بدون هیچگونه علامت مشخصه ظاهری (هرچند با کمی دقت و هوشیاری قابل تشخیص هستند) با لباس شخصی و حتی با پوش های شغلی و اداری مختلف (کارمند اداره برق، رادیو، تلویزیون، بانک، راننده تاکسی و یا مسافرکش شخصی و...) پنهان از چشم مردم و مبارزان در سطح شهرها به کار تعقیب و مراقبت و شکار مشغولند.

۳- عناصر بسیجی با شکل و شمایل های گوناگون (از حزب الهی گرفته تا تیپ روشنفکری چپ) که عموماً با موتورسیکلت های هوندا (مدل ۱۱۵ و ۱۲۵ آبی و قرمز) و سوزوکی ۲۵۰ (و در یکی دو سال اخیر بطور اختصاصی موتورهای مدل بالا و سنگین) مجهز به آینه و ترک بند بشکل دونفره که معمولاً بدون شماره شهربانی و کلاه و کاسکت و طلق و سایر مشخصاتند، قابل تشخیص هستند. البته این عناصر بدون وسیله نقلیه و ظاهراً بیکار و ولگرد نیز در سطح نواحی و

محلله های مختلف شهر پراکنده اند، تا چنانچه با افراد مشکوک و غریب و ناآشنا روبرو شدند و حضور آنها را در محیط تحت نظر خود مشکوک تشخیص دادند، مراتب را اطلاع دهند.

۴- عناصر وابسته به انجمن های اسلامی مدارس، دانشگاه ها، کارخانه ها، ادارات و... که اساساً نقش مکمل نیروهای امنیتی فوق الذکر را ایفا می کنند.

۵- توابعین، خائنان و خودفروختگانی از گروه ها و سازمان های گوناگون با پوشش یا بدون پوشش - با توجه به میزان اطلاعات و آشنایی آنها به شیوه عملکرد مبارزان انقلابی - تا کنون توانسته اند با خوش رقصی های خود "خدمات شایانی" برای دستگاه اطلاعاتی دشمن انجام دهند. از این رهگذر ضربه های معینی بر پیکر نیروهای انقلابی وارد شده است.

۶- عناصری از اقشار گوناگون مردم که یا به دلیل عدم آگاهی نسبت به منافع و مصالح طبقاتی خود و یا بر اثر حس ماجراجویی و کنجکاوی بی مورد (این پدیده بویژه در مناطق مرکزی و جنوبی شهر به چشم می خورد) آلت دست دستگاه های امنیتی رژیم واقع می شوند. این عناصر که دارای عملکرد بی شکل و نامشخص هستند، به اصطلاح "سازمان اطلاعات ۲۶ میلیونی" را تشکیل می دهند.

در پایان تذکر یک نکته ضروری است. آنچه که گفته شد شرح نسبتاً جامع برخی اصول عام و ظرایف کار مخفی بود. طبیعی است که هسته های مخفی حزب باید به فراخور وظایف و امکانات خود، به بهره جویی از آنها به پرداخت و از کاربست تدابیری که در چارچوب امکانات فعلی آنها نمی گنجد، صرف نظر کنند.

گامی دیگر علیه...

رژیم ج.ا. با قانونی کردن تصویب نامه مذکور تحول بزرگی را که در دوده اخیر در عرصه مسائل ارضی و دهقانی ایران به خصوص در زمینه اقتصادی اجتماعی و قشربندی دهقانان به صورت عملی و ناقص پیوسته، به شکلی علنی و رسمی مهر تأیید می زند. کشاورزان مرفه صاحب سند ثبتی زمین های عادی به طور غیرمجاز خریداری شده، می شوند و دهقانان کم زمین و خورده پا سند آوارگی و در بدری خود از روستا ها را به دست می آورند. آنچه را که رژیم منفور پهلوی فرصت انجامش را نیافت، مصوبه اخیر مجلس امکان پذیر ساخت.

پس از رفم ارضی رژیم سلطنتی قوانینی تصویب شد که هرگونه خرید و فروش نسق زراعی را برای زارعان صاحب نسق به صورت رسمی ممنوع کرد و این ممنوعیت باعث آن گردید که خریدار نتواند از مزایای رسمی و قانونی ارضی که با سند عادی و غیرمجاز از زارعین خرده پا خریداری کرده بود، استفاده کند. قبلاً برای خریداران زمین هایی که فروش آنها

" ازدواج موقت" ...

باید از آقای رفسنجانی پرسید، در جامعه بحران زده ما، جوانان چگونه می توانند با وجود جنگ خانمان سوز، بیکاری فراگیر در جامعه، گرانی و تورم کمرشکن، بی مسکنی، مسدود بودن راه ادامه تحصیل و عدم بهره مندی از آموزش های حرفه ای و تخصصی و... به همسر گزینی و تشکیل خانواده فکر کنند؟

بنابراین هدف اساسی رفسنجانی از بحث های رباکارانه اش در رابطه با " آداب و سنن ناصحیح و غیر اسلامی " هموار نمودن راه ازدواج های موقت و فحشاء شرعی و به عبارتی خرید و فروش زن در جامعه بوده است. علت آن که رژیم در چنین شرایطی " تسهیل نمودن ازدواج " را به میان می آورد کاملاً روشن است. با توجه به بحران فزاینده ای که جامعه را فراگرفته و کلیه عرصه ها (ورزش، هنر، موسیقی، مطالعه و تحصیل، کار و حرفه و...) به روی جوانان بسته شده است، رژیم در پی سرگرم کردن جوانان با مسائل مبتذل و منحط و منحرف ساختن ذهن آنان از اساسی ترین مسائل سیاسی - اجتماعی جاری در کشور است.

در حقیقت رژیم با یک تیر دو نشان می زند. در عین آن که خیل عظیم جوانان بیکار و سرگردان را مشغول نگاه می دارد، از سوی دیگر در جهت پیاده کردن دیدگاه تاجر منصفانه خود و شرکایش در مورد زنان کشور گام بر می دارد.

این گونه بحث ها از سوی مریدان درگاه ولایت فقیه نه تنها خیرخواهانه نیست بلکه تلاشی است برای ماهی گرفتن از آب گل آلود. آنها در این راه تا بدان جا پیش رفته اند که برده

کشاورزان مرفه فروخته اند. حال با وجود این قانون، دهقانان کم زمین که از هرگونه امکان مادی بی بهره اند ناگزیر می شوند که برای گذران یکی دو سال زندگی به قیمت آوارگی همیشه زمین خود را به کشاورزان متمول بفروشند و رژیم نیز این خرید و فروش را به رسمیت می شناسد.

کشاورزان مرفه با بدست آوردن اسناد رسمی این زمین ها به راحتی خواهند توانست چندین ده برابر پول پرداخته بابت زمین را به صورت وام های کم بهره و پر منفعت از بانک دریافت و با اطمینان خاطر به هرگونه دخل و تصرف و سرمایه گذاری در ارضی کشاورزی اقدام کنند.

به علت نداشتن برنامه اصولی و مدون کشت محصولات اساسی، تصویب این قانون نه تنها معضل کشاورزی را حل نمی کند بلکه مهاجرت های فصلی دهقانان کم زمین و بی زمین را مبدل به مهاجرت دائمی می کند. این قانون به طریقی دیگر تسهیلاتی در جهت تبدیل ارضی و زمین های کشاورزی به باغ ها و اماکن غیر کشاورزی فراهم می آورد.

مجاز نبود، دریافت وام با ارقام قابل توجه و با مورد وثیقه قراردادن اراضی برای امور معاملاتی دیگر و بالاخره سرمایه گذاری اطمینان بخش روی زمین غیرثبتی مخاطره آمیز بود.

این عامل تا حدودی سبب کندشدن روند مهاجرت و مانع رخنه سرمایه بانکی به شکل وسیع و تا حدودی مانع گسترش بیش از پیش مناسبات سرمایه داری در روستاها بود.

وزیر کشاورزی در مصاحبه های مختلف خود در دو سال گذشته و در جریان سخن رانی های خود در مجلس همیشه خواستار تضمین سرمایه گذاری بخش خصوصی در امر کشاورزی بود. وی عملاً به آرزوی خود جامه عمل پوشاند.

از در آخرین مصاحبه مفصل خود که در ضمیمه اقتصادی اطلاعات ۵ خردادماه ۱۳۶۴ منعکس است با صراحت اصلاحات ارضی رژیم منفور پهلوی را که حاصل سال ها مبارزه دهقانان ایران و تحمیل شده به رژیم مذکور بود، زیر سؤال برد. وی آشکارا اشاره کرد که هم اکنون هستند بسیار اشخاصی که زمین هایی در اختیار دارند ولی تکلیف مالکیت رسمی آنها روشن نیست و همچنین دقیقاً و آگاهانه اشاره وی به همین زمین هایی بود که دهقانان کم زمین و خرده پا با اسناد عادی به

نگاهی به رویدادهای جهان

در هائیتی، دیکتاتور رفت و همدستانش بره‌مسند قدرت نشستند

علیرقم سرکوب گستاخانه ارتش، جنبش وسیع ترین قشرهای مردم هائیتی برای دستیابی به دموکراسی همچنان ادامه دارد.

پس از فرار دووالیه گروهی از همدستان او با کمک آمریکا " شورای ملی حکومتی " را تشکیل داده اند. آنها تلاش می کنند تا با سرکوب جنبش از یک سو و ایجاد یک سری تغییر و تحول های سطحی از سوی دیگر، سلطه آمریکا را در هائیتی همچنان حفظ کنند. اما شورای جدید نه تنها نمی تواند جنبش را مهار کند بلکه روز به روز بر دامنه آن افزوده می شود.

رنه تئودور دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست هائیتی ضمن پرده برداشتن از توطئه های آمریکا و ماهیت خونخوار حاکم بر این کشور اعلام داشت: " مردم هائیتی اجازه نخواهند داد که کلاه بر سرشان برود. حزب کمونیست هائیتی در تلاش است تا با سازمان های دموکراتیک در این کشور جبهه متحدی تشکیل بدهد. به گفته رنه تئودور این جبهه باید اعتصاب عمومی را سازمان بدهد و در راه سرنگون ساختن خونخوار حاکم و استقرار حکومت دموکراتیک مبارزه کند."

همچنین بیش از ۱۵ هزار نفر از مهاجرین هائیتی علیه مداخله آمریکا در امور داخلی کشورشان، در نیویورک به تظاهرات پرداختند. در مینسکی که برپا شد ب. دیوپویا نماینده کمیته مبارزه با اختلاف گفت: این مردم هائیتی هستند که باید سرنوشته کشورشان را تعیین کنند، نه کاخ سفید.

در شرایط کنونی سهم ایالات متحده در واردات هائیتی ۴۵ درصد و در صادرات این کشور ۵۹ درصد است. شرکت های آمریکایی مورد پشتیبانی رژیم دووالیه، ۶ تا ۱۰ بار بیش از مقداری که در ایالات متحده می توانستند سود ببرند در هائیتی سود می بردند.

سخرانان در متینگ متذکر شدند که آمریکا با کمک های سیاسی، مالی و اقتصادی خود زمینه ادامه حیات خانواده دووالیه (پدر و پسر) را فراهم ساخت. وام های میلیونی آمریکایی در جهت پیشرفت و رشد کشور که در جهت ثروت اندوزی دیکتاتور سابق و اطرافیان وی و خرید اسلحه به کار می رفت. سلاح هایی که به علیه مردم به کار گرفته می شد.

**جبهه متحد خلق
ضامن پیروزی است!**

کارزار جهانی دفاع از توده ای های دربند

همچنین جنبش جوانان کمونیست فرانسه - فدراسیون آلپ و مارتینم طی پیامی قتل رفیق شلتوکوی، شکنجه در زندان ها و تهدید رهبران حزب و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مرگ را محکوم کردند. آنها خواهان قطع سریع شکنجه و آزادی زندانیان شدند.

پیام کمونیست های افغانی در هامبورگ

سازمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان در هامبورگ به مناسبت شهادت رفقا شلتوکوی و کی منش پیامی داد. در این پیام از جمله آمده است: " راه مبارزه چنین رادمردانی رهنمود ماست، همچنان که ایشان از پیشروان خود آموخته بودند. بر ما ست که از ایشان بی آموزیم و با جرات کامل و ایدئولوژی مستحکم و مردمی مارکسیسم - لنینیسم به مبارزه خوبش بیش از پیش و منسجم تر ادامه دهیم... مبارزین اصیل از روز اول که قدم در راه مبارزه گذاشته اند سر به کف برده اند، چو می دانند و می دانستند که با چه وحشیانی روبرو هستند."

اعتراض کمونیست های سری لانکا و دخالت پلیس

۱۱ نفر از کمونیست های سری لانکا به علت اعتراض به جمهوری اسلامی و ابراز همبستگی با حزب توده ایران بازداشت شدند. هفتگه نامه تامیل زبان " ساکتی " (قدرت) چاپ کلمبو - ارگان حزب کمونیست سری لانکا نوشت:

یک گروه صد نفره برای تسلیم نامه اعتراض در محکوم کردن کشتار و شکنجه میهن پرستان و کمونیست ها توسط رژیم خمینی، به سفارت جمهوری اسلامی در سری لانکا مراجعه کردند. این گروه متشکل از نمایندگان و رهبران فدراسیون جوانان کمونیست، فدراسیون زنان سری لانکا، فدراسیون ملی جوانان سری لانکا بودند که به طور مسالمت آمیز و آرام در مقابل سفارت جمهوری اسلامی اجتماع کردند و تقاضای دیدار با سفیر برای تسلیم اعتراض نامه خود را کردند. کارگزاران سفارت اعلام کردند که سفیر در محل حضور ندارد. گروه یاد شده که منتظر رسیدن سفیر و تسلیم نامه به وی بودند با دادن شعار صدای اعتراض خود را بلند کردند. در این هنگام پلیس دخالت کرد و گفت: تنها یک نفر حق دیدار با سفیر را دارد. پلیس بقیه را مجبور به ترک محل کرد. معترضین که محوطه را ترک کردند در محل دورتری به انتظار ماندند که دیگر بار مورد تهاجم پلیس واقع شدند. پلیس پس از ایجاد ضرب و شتم ۱۱ تن از این گروه صد نفره را که در میان آنها چند نفر زن و دوشیزه دیده می شدند دستگیر کرد. دستگیرشدگان مدت ۵ ساعت تحت بازجویی قرار گرفته سپس با قید ضمانت مرخص شدند.

" ازدواج موقت " ...

شرم و حیا را دریده اند و به بیجه های مدارس و بیوکان چشم طمع دوخته اند. بطوری که رفسنجانی از ازدواج موقت دختران نوجوان مدارس سخن به میان می آورد و در بخش دیگری از صحبت هایش به هزاران بیوه در جامعه اشاره می کند و همگی را به زیرپا گذاردن " سنت ها و آداب و رسوم دست و پاگیر " فرا می خواند و به تیغ آن، " راه ازدواج های موقت " بی دردسر را پیش پای آنان می گذارد.

بدین ترتیب آشکار می گردد که از دیدگاه ماوراء ارتجاعی سران ج.ا. معیار و اساس و هدف تشکیل خانواده را فقط و فقط " فرونشاندن غرایز و شهوات حیوانی " تشکیل می دهد و بس. روحانیت مرتجع نیز برای رسیدن به این هدف شوم و ضد انسانی، ازدواج موقت (صیغه یا متعه) را تجویزی کند و با رسمیت بخشیدن به فحشاء شرعی در جامعه، تیشه به ریشه خانواده ها می زند.

از نظر ما، این گونه تلاش ها که جنایت در حق سلامت و سعادت خانواده و جامعه محسوب می شوند، شدیداً محکوم و مردود است. از دیدگاه ما، زنشویی پیوند پایدار میان زن و مرد است و خانواده به عنوان واحد پایه ای اجتماع، مجموعه ای از مناسبات جسمی، روانی، اقتصادی، اخلاقی، حقوقی و... است که اساس و بنیان آن را عشق و تفاهم و همکاری و احترام متقابل و برابری زن و مرد نسبت به هم تشکیل می دهد.

گرچه خانواده به عنوان واحدی مستقل محسوب می شود اما با جامعه در ارتباط متقابل و تنگاتنگ است و از هم تأثیر می پذیرند. به ویژه آن که تشکیل خانواده و امر زنشویی با مناسبات حقوقی و اجتماعی معینی همراه است که این مناسبات نیز با تغییر نظام های اجتماعی دگرگون می شود. درحقیقت تا زمانی که شرایط لازم و کافی اجتماعی جهت رشد و شکوفایی جوانان و تأمین زندگی سعادت مند برای آنان فراهم نباشد، امر تشکیل خانواده با مضلات عظیمی مواجه خواهد شد. بنابراین تأمین کار، مسکن مناسب، امکانات و شرایط تحصیلی و دیگر حقوق اجتماعی حق مسلم و قانونی و از شروط اولیه تشکیل خانواده است.

**کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!**

کمکهای مالی رسیده:

ف. ک. ناردین ۱۰۰ مارک

NAMEH
MARDOM
No: 91

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

27, February, 1986